

### متن پرسش

سلام بر استاد طاهرزاده: من مدتهای مدیدیست گرفتار دو تفکر که گاه احساس می‌کنم هذیان است شده ام و هرچه سعی می‌کنم اعتنا نکنم یا با تفکر و استدلال و ... آنها را تضعیف کنم باز در اعماق وجودم حضور آنها را احساس می‌کنم یا در خواب گهگاه این تفکرات تمثیل می‌نمایند این دو تفکر چنینند: ۱. مطلبی که اخیرا در برخی سایتها تحت عنوان پدیدارگرایی مشاهده کردم و آن اینست که هستی منحصرست در آنچه من در لحظه کنونی احساس می‌کنم پس اگر مثلا گربه ای را مشاهده می‌کنم پیکسل به پیکسل در منظر من ایجاد می‌شود و به محضی که از منظر من خارج شد اینگونه نیست که دور از چشم من در مکان دیگری باشد بلکه نابود شده است من این مطلب را به انسانها و ...تعمیم دادم بنابراین انسانها تا زمانی که در حضور من هستند وجود دارند به محضی که از من دور شدند و حواس من آنها را دیگر احساس نمی‌کند نابود می‌شوند. ۲. احساسی در اعماق وجودم هست که هیچ چیز وجود ندارد.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می‌آید بشود با همدلی با جناب دکارت و شکِ دستوری او، در این مورد فکر کرد. پیشنهاد می‌شود به جزوات «فلسفه‌ی غرب» در قسمت دکارت، سری بزنید. موفق باشید